

وزیر فرهنگ در پاسخ به فرهیختگان درباره قانون در دست تدوین سازمان نظام رسانه‌ای:

در متن پیش نویس تجدیدنظر می کنیم

علیرضا صمدی

بیش از یک ماه از انتشار رسمی پیش نویس قانون سازمان نظام رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران می گذرد؛ پیش‌نویسی که بنابر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها با تلاش این دفتر اعلام سایت دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها و جمعی از دست‌اندرکاران حوزه رسانه و حقوق‌دانان تنظیم و تهیه شده است و این در حالی است که محمد سلطانی فر رئیس این دفتر تاکید کرده که هیچ نقشی در تدوین این پیش‌نویس نداشته است. همین مساله نشان‌دهنده موضع سلطانی فر درخصوص این پیش‌نویس است. وی در یک گفت‌وگوی رادیویی با بیان اینکه این پیش‌نویس ایده‌آل نیست ولی واقع‌گرایانه است، تاکید کرده: «من هم معتقدم که باید تغییری در این پیش‌نویس ایجاد شود و به آن انتقاد دارم ولی به این نکته نیز باید توجه داشت که این پیش‌نویس که مطبوعات هر آن چه می‌خواهند بنویسند.» از صحبت‌های سلطانی فر می‌توان این‌طور استنباط کرد که پیش‌نویس سازمان نظام رسانه‌ای طوری تنظیم شده است تا به کام مجلس خوش بیاید و حقوق صنفی روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها کمتر مدنظر قرار گرفته است. چه بسا با استفاده از نظرات اصحاب رسانه می‌توان

مانند دیگر کشورهای پیشرفته جهان بسیاری از مشکلات صنفی روزنامه‌نگاران را در قالب همین قانون برای همیشه حل کرد به طوری که علاوه‌بر رضایت دولت، رضایت روزنامه‌نگاران را نیز در پی داشته‌باشد.
علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در پاسخ به سوال روزنامه فرهیختگان درخصوص پیش‌نویس قانون سازمان نظام رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران و آینده این پیش‌نویس به پاسخی کوتاه بسنده کرد و اظهار داشت: «حتما در متن آن تجدیدنظر خواهیم کرد.» تهیه قانونی برای رسانه‌ها به دولت اصلاحات باز می‌گردد، در آن زمان معاونت مطبوعاتی وقت از تدوین یک قانون تحت عنوان «نظام جامع رسانه‌ها» برای دفاع از حقوق روزنامه‌نگاران، ساماندهی امور مطبوعات و نیز رفع چالش‌هایی مانند نبود امنیت شغلی فعالان رسانه خبر داد.
تهیه و تنظیم این قانون البته در آن سال‌ها مسکوت ماند و بعد از روی کار آمدن دولت نهم برای مدتی به فراموشی سپرده شد تا نهایتا سال‌ها بعد پیش‌نویس یک متن تحت عنوان «لایحه نظام جامع رسانه‌های همگانی» منتشر شد. اکنون پس از به نتیجه نرسیدن لایحه قبلی، پیش‌نویس قانون «سازمان نظام رسانه‌ای

جمهوری اسلامی ایران» توسط معاونت مطبوعاتی تهیه و از طریق سایت دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها منتشر شده است. پس از انتشار از طریق همین وب‌سایت از روزنامه‌نگاران و اصحاب رسانه خواسته شد تا نقطه نظرات خود را از طریق یک ایمیل اعلام کنند. این شیوه متفاوت نظرسنجی که به‌طور رسمی به رسانه‌ها اعلام نشده است و هنوز هم بسیاری از اصحاب رسانه از تهیه چنین پیش‌نویسی بی‌اطلاع هستند، همچنان ابهام‌برانگیز است و اولین پرسشی بود که ذهن دست‌اندرکاران مطبوعاتی و دلسوزان رسانه‌ای را درگیر کرد. این سوال همچنان باقی است که چرا قبل از نگارش یا نمایندگان تمام رسانه‌ها مشورت نشده است یا لااقل چرا رونمایی در جلسه‌ای رسمی انجام نپذیرفت و هنوز هم پس از گذشت چندین هفته هیچ‌کس به‌طور مستقیم به انتقادات فراوان کارشناسان رسانه، حقوق‌دانان و همکاران مطبوعاتی و خبرگزاری‌ها پاسخ نداده است. محمد سلطانی فر رئیس دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها معتقد است: «این پیش‌نویس با همکاری معاونت مطبوعات وزارت ارشاد و تعدادی افراد خبره روزنامه‌نگاری تهیه و تدوین شده است. البته این پیش‌نویس قطعی و نهایی نیست و باید توسط اهالی مطبوعات در زمینه‌های

کامبیز نوروزی با اشاره به پیش نویس قانون سازمان نظام رسانه‌ای:

حق آزادی بیان با این قانون سلب می شود

یعنی نقد دستگاه‌ها و ارگان‌ها بپردازند. البته نکته مهم قابل تامل دیگر در این پیش‌نویس این است که هویت نویسندگان این متن مشخص نیست. معاونت مطبوعاتی و دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه، نام نویسندگان این طرح را اعلام نمی‌کنند که این موضوع بسیار عجیب است. در گذشته مرسوم بود که در متون پیشنهادی حوزه مقررات‌نویسی مطبوعات و رسانه نام نویسندگان اعلام می‌شد و این موضوع حتی در دولت گذشته که آیین‌نامه حرفه‌ای روزنامه‌نگاری منتشر شد، اسامی نویسندگان آن اعلام شد. به عقیده من دلیلی وجود ندارد که اسامی پنهان بماند، اتفاقا اگر این اسامی منتشر شود می‌توان موافقان و مخالفان این پیش‌نویس را شناخت و با برگزاری مناظره به نقاط قوت و ضعف اینچنین پیش‌نویس‌هایی پرداخت

تا درنهایت خروجی کار یک پیش‌نویس جامع باشد که از قبل مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

نوروزی با بیان اینکه این پیش‌نویس محدودکننده‌ترین مقررات در مورد آزادی مطبوعات و رسانه‌ها در طول تاریخ روزنامه‌نگاری ایران را در خود جای داده است، گفت: امیدوارم در دولتی که آقای روحانی به‌عنوان رئیس‌جمهور و آقای جنتی به‌عنوان وزیر فرهنگ عهده‌دار این مسئولیت مهم هستند اجازه داده نشود تا این متن به نام «دولت یازدهم» به مجلس ارائه شود. در صورتی که این لایحه به تصویب نمایندگان مجلس برسد قانونی کم سابقه در ۱۰۷ سال عمر مطبوعات ایران مصوب شده که اصلا شایسته نیست به اسم دولت آقای روحانی ثبت شود.

بهر حال باید در آن روزنامه‌نگاران از حق ذاتی آزادی بیان برخوردار باشند و این حق اساسی را بواسطه شغل خود برای شهروندان نیز استیفا کنند. حق آزادی بیان یک حق غیر مشروط است در صورتی که در متن پیش‌نویس نظام رسانه‌ای شروطی مانند سن یا تحصیلات برای این حق گذاشته شده یعنی اینکه حقوق شهروندی نقض شده است. وی وظیفه اصلی رسانه‌ها را نظارت بر کار دولت دانست و اظهار داشت: دولت بر تمام شغل‌ها نظارت می‌کند اما این روزنامه‌نگاران هستند که بنا بر وظیفه ذاتی خود باید بر کار دولت نظارت داشته باشند و همواره دولت را با نقد سازنده خود وادار به عملکرد بهتر کنند. پیش‌نویس قانون سازمان نظام رسانه‌ای اما به‌گونه‌ای تنظیم شده است که روزنامه‌نگاران نتوانند ازآزادانه به فعالیت ذاتی خود

کامبیز نوروزی روزنامه‌نگار و حقوقدان در گفت‌وگو با فرهیختگان ضمن انتقاد از پیش‌نویس متن سازمان نظام رسانه‌ای، آن را دارای سه اشکال عمده قلمداد کرد و افزود: اولین اشکال در مبانی نظری این پیش‌نویس مشاهده می‌شود. دومین اشکال در سازماندهی و آخرین اشکال در تکنیک‌های حقوقی قانون‌نویسی است. این پیش‌نویس یک کپی‌برداری از قانون سازمان نظام پزشکی است و نویسندگان آن کوچک‌ترین شناختی از روزنامه‌نگاری ندارند. باید توجه داشت که حرفه روزنامه‌نگاری باطنا با شغل پزشکی داری تفاوت‌هایی عمده است و این بدیهی است که قانون سازمان نظام این دو حرفه نمی‌تواند یک شکل باشد.

این حقوقدان در ادامه خاطرنشان کرد: روزنامه‌نگاری شغلی



کامبیز نوروزی روزنامه‌نگار و حقوقدان در گفت‌وگو با فرهیختگان ضمن انتقاد از پیش‌نویس متن سازمان نظام رسانه‌ای، آن را دارای سه اشکال عمده قلمداد کرد و افزود: اولین اشکال در مبانی نظری این پیش‌نویس مشاهده می‌شود. دومین اشکال در سازماندهی و آخرین اشکال در تکنیک‌های حقوقی قانون‌نویسی است. این پیش‌نویس یک کپی‌برداری از قانون سازمان نظام پزشکی است و نویسندگان آن کوچک‌ترین شناختی از روزنامه‌نگاری ندارند. باید توجه داشت که حرفه روزنامه‌نگاری باطنا با شغل پزشکی داری تفاوت‌هایی عمده است و این بدیهی است که قانون سازمان نظام این دو حرفه نمی‌تواند یک شکل باشد.

کامبیز نوروزی روزنامه‌نگار و حقوقدان در گفت‌وگو با فرهیختگان ضمن انتقاد از پیش‌نویس متن سازمان نظام رسانه‌ای، آن را دارای سه اشکال عمده قلمداد کرد و افزود: اولین اشکال در مبانی نظری این پیش‌نویس مشاهده می‌شود. دومین اشکال در سازماندهی و آخرین اشکال در تکنیک‌های حقوقی قانون‌نویسی است. این پیش‌نویس یک کپی‌برداری از قانون سازمان نظام پزشکی است و نویسندگان آن کوچک‌ترین شناختی از روزنامه‌نگاری ندارند. باید توجه داشت که حرفه روزنامه‌نگاری باطنا با شغل پزشکی داری تفاوت‌هایی عمده است و این بدیهی است که قانون سازمان نظام این دو حرفه نمی‌تواند یک شکل باشد.

کامبیز نوروزی روزنامه‌نگار و حقوقدان در گفت‌وگو با فرهیختگان ضمن انتقاد از پیش‌نویس متن سازمان نظام رسانه‌ای، آن را دارای سه اشکال عمده قلمداد کرد و افزود: اولین اشکال در مبانی نظری این پیش‌نویس مشاهده می‌شود. دومین اشکال در سازماندهی و آخرین اشکال در تکنیک‌های حقوقی قانون‌نویسی است. این پیش‌نویس یک کپی‌برداری از قانون سازمان نظام پزشکی است و نویسندگان آن کوچک‌ترین شناختی از روزنامه‌نگاری ندارند. باید توجه داشت که حرفه روزنامه‌نگاری باطنا با شغل پزشکی داری تفاوت‌هایی عمده است و این بدیهی است که قانون سازمان نظام این دو حرفه نمی‌تواند یک شکل باشد.

مرجع جدید فشار بر رسانه

سازمان نظام صنفی برای هر قشر از افراد جامعه لازم است و باید تمام اقشار از این سازمان بهره‌مند باشند. اما باید توجه داشت که انجمن نظام پزشکی، پرستاری، مهندسی و... برای کسانی است

که در یک رشته خاص تحصیل کرده‌اند و خدمات‌شان نیز در همان رشته تخصصی است. اما در رابطه با روزنامه‌نگاران ماهیت این بحث فرق می‌کند چراکه در حرفه روزنامه‌نگاری افراد با هر تحصیلاتی می‌توانند به رسانه‌ها کمک کنند و به نوعی همکار رسانه‌ها باشند. سازمان نظام پزشکی و نظام مهندسی به نوعی کمک‌رسان و بازوی دولت محسوب می‌شوند و مثلاً وظیفه دارند در تعامل با دولت به سلامت یا ساخت‌وساز در کشور کمک کنند. اما رسانه قرار نیست در خدمت دولت باشد و برای آن یک نظام صنفی تعریف کند.

در پیش‌نویس قانون سازمان رسانه‌ای عنوان شده است که به روزنامه‌نگاران پروانه فعالیت می‌دهند و بعد می‌توانند این پروانه را لغو کنند. هم ارائه پروانه روزنامه‌نگاری و هم لغو آن بر خلاف آزادی بیان است. کشور ایران یکی از کشورهای امضاکننده کنوانسیون حقوق بشر است و طبق قانون آن حکم قانون اساسی را دارد و آزادی بیان نیز یکی از بندهای این کنوانسیون است. آزادی بیان که نیازی به پروانه فعالیت حرفه‌ای ندارد! اگر این سازمان نظام رسانه‌ای شکل بگیرد می‌توان از آن به‌عنوان یک مرجع جدید برای فشار بر رسانه‌ها و جلوگیری از آزادی بیان یاد کرد و آن دستاویزی می‌شود برای جلوگیری از کار حرفه‌ای خبرنگاران و روزنامه‌نگاران و گردش آزاد اطلاعات را خدشدار می‌کند.

مطالبه اصلی روزنامه‌نگاران احیای مجدد انجمن صنفی است تا بتوانند خواسته‌های خود را از این طریق پیگیری کنند. در یکی از موارد مورد اسراع پیش‌نویس سازمان نظام رسانه‌ای مطرح شده است که حکم رئیس این سازمان با تأیید رئیس‌جمهور به وی داده می‌شود. حال اگر رئیس‌جمهور بنا به دیدگاه سیاسی خود ریاست فردی را که با رای اعضای سازمان انتخاب شده است تأیید نکرد، تکلیف چیست؟ بی شک کسانی که این پیش‌نویس را تنظیم کرده‌اند ماهیت رسانه را نشناخته‌اند. بزرگ‌ترین خدمت که به قشر روزنامه‌نگار این است که کاری به کار آنها نداشته باشد تا رسانه‌ها بتوانند در هر دولت با هر رویکردی سیاسی آزادانه با نقدی منصفانه آن دولت را یاری کنند تا نهایتا سود آن نقد در عملکرد بهتر دولت نمود پیدا کند و برای تمام اقشار جامعه مشهود باشد.

راه‌دراز پیش نویس تا لایحه

قانون‌نویسی مانند هر کار دیگر آداب و رسومی دارد و یکی از آنها پرهیز از به‌کار بردن عبارت‌هایی است که از نظر معنایی «کشدار» و تفسیر‌بردارند. نبود تناقض و تعارض در مواد قانونی نیز دیگر موضوعی است که باید مورد توجه قانون‌گذاران قرار گیرد. فراهم‌شدن زمینه ابهام‌زدایی از متن‌های قانونی، کمترین فایده‌ای است که می‌توان برای انتشار پیش‌نویس قوانین و قرار دادن آنها در معرض ارزیابی عمومی متصور شد که امید است تدوین‌کنندگان پیش‌نویس «قانون سازمان نظام رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران» نیز از این مزیت بهره‌گیری کنند. فارغ از بحث‌هایی که درباره ضرورت ایجاد سازمان نظام رسانه‌ای یا مخالفت با ایجاد آن از طریق لایحه دولت و تصویب مجلس، شکل گرفته است، گمان می‌کنم آنچه اهمیت دارد این است که دست‌اندرکاران تدوین این پیش‌نویس باید مانند تدوین‌کنندگان منشور حقوق شهروندی، متن منتشرشده را «ویراست نخست» بدانند و تا رفع ابهام‌ها و تناقض‌ها، آن را در قالب لایحه در هیات‌دولت مطرح نکنند، چراکه نواقعی در این پیش‌نویس وجود دارد. برای نمونه، در بند ۳ ماده ۴ این پیش‌نویس، «روزنامه‌نگار» چنین تعریف شده است: «روزنامه‌نگار حرفه‌ای کسی است که شغل اصلی او، فعالیت فکری و تولید هر گونه محتوای نوشتاری، شنیداری و دیداری و ارائه اخبار و وقایع جاری و تحلیل و تفسیر آنها در رسانه است...» همچنین در تبصره ۲ ماده ۲ تصریح شده است: «افرادی که شغل اصلی آنها روزنامه‌نگاری نیست، ولی در رسانه صاحب‌اثر هستند، عضو افتخاری محسوب می‌شوند که از حق حق‌برد از پیش‌نویس، تا این‌جا کار آنچه از پیش‌نویس به دست می‌آید آن است که شرط اصلی برای روزنامه‌نگار حرفه‌ای بودن این است که «شغل اصلی» شخص، روزنامه‌نگاری باشد که مصادیق این شرط نیز در آیین‌نامه‌ای که مطابق تبصره ۳ ماده ۴ بعداً تدوین می‌شود، مشخص می‌شود. اما اگر خوانند این پیش‌نویس تا ۱۱ ماده قانونی دیگر ادامه پیدا کند، یعنی در ماده ۱۳ شرایط عضویت در سازمان نظام رسانه‌ای برشمرده شده است که نخستین شرط آن، «حداقل دو سال سابقه فعالیت روزنامه‌نگاری و نگارش و انتشار حداقل ۱۰ اثر در یک یا چند رسانه» است.

حال پرسش این است که آیا منظور از عبارت تفسیر‌بردار، شغلی اصلی» همین ضابطه توضیح‌دهنده شده در ماده ۱۳ است؟ اگر پاسخ مثبت است دیگر چه نیازی به تدوین آیین‌نامه و اگر نه، چگونه شرط شغل اصلی در میان شرایط عضویت نادیده گرفته شده است. نکته جالب‌تر در این میان به آخرین ماده این پیش‌نویس برمی‌گردد: در ماده ۷۸ مقرر شده است: «کلیه آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به اجرای این قانون توسط رئیس‌کل تهیه و به تصویب شورای عالی خواهد رسید.» بر این اساس مصداق روزنامه‌نگار حرفه‌ای را قرار است این آیین‌نامه‌ای تعیین کند.

فاجعه‌ای در راه است!

بی‌هیچ حاشیه و مقدمه‌ای باید بگویم آنچه تحت عنوان پیش‌نویس قانون سازمان نظام رسانه‌ای آماده شده، جز یک فاجعه برای مطبوعات نیست؛ فاجعه‌ای که متأسفانه در دولت جناب آقای روحانی در حال رقم‌خوردن است. در این پیش‌نویس نگاه امنیتی و حاکمیتی پهنه است. گویی می‌توان برای انتشار پیش‌نویس قوانین و قرار دادن آنها در معرض ارزیابی عمومی متصور شد که امید است تدوین‌کنندگان پیش‌نویس «قانون سازمان نظام رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران» نیز از این مزیت بهره‌گیری کنند. فارغ از بحث‌هایی که درباره ضرورت ایجاد سازمان نظام رسانه‌ای یا مخالفت با ایجاد آن از طریق لایحه دولت و تصویب مجلس، شکل گرفته است، گمان می‌کنم آنچه اهمیت دارد این است که دست‌اندرکاران تدوین این پیش‌نویس باید مانند تدوین‌کنندگان منشور حقوق شهروندی، متن منتشرشده را «ویراست نخست» بدانند و تا رفع ابهام‌ها و تناقض‌ها، آن را در قالب لایحه در هیات‌دولت مطرح نکنند، چراکه نواقعی در این پیش‌نویس وجود دارد. برای نمونه، در بند ۳ ماده ۴ این پیش‌نویس، «روزنامه‌نگار» چنین تعریف شده است: «روزنامه‌نگار حرفه‌ای کسی است که شغل اصلی او، فعالیت فکری و تولید هر گونه محتوای نوشتاری، شنیداری و دیداری و ارائه اخبار و وقایع جاری و تحلیل و تفسیر آنها در رسانه است...» همچنین در تبصره ۲ ماده ۲ تصریح شده است: «افرادی که شغل اصلی آنها روزنامه‌نگاری نیست، ولی در رسانه صاحب‌اثر هستند، عضو افتخاری محسوب می‌شوند که از حق حق‌برد از پیش‌نویس، تا این‌جا کار آنچه از پیش‌نویس به دست می‌آید آن است که شرط اصلی برای روزنامه‌نگار حرفه‌ای بودن این است که «شغل اصلی» شخص، روزنامه‌نگاری باشد که مصادیق این شرط نیز در آیین‌نامه‌ای که مطابق تبصره ۳ ماده ۴ بعداً تدوین می‌شود، مشخص می‌شود. اما اگر خوانند این پیش‌نویس تا ۱۱ ماده قانونی دیگر ادامه پیدا کند، یعنی در ماده ۱۳ شرایط عضویت در سازمان نظام رسانه‌ای برشمرده شده است که نخستین شرط آن، «حداقل دو سال سابقه فعالیت روزنامه‌نگاری و نگارش و انتشار حداقل ۱۰ اثر در یک یا چند رسانه» است.

حال پرسش این است که آیا منظور از عبارت تفسیر‌بردار، شغلی اصلی» همین ضابطه توضیح‌دهنده شده در ماده ۱۳ است؟ اگر پاسخ مثبت است دیگر چه نیازی به تدوین آیین‌نامه و اگر نه، چگونه شرط شغل اصلی در میان شرایط عضویت نادیده گرفته شده است. نکته جالب‌تر در این میان به آخرین ماده این پیش‌نویس برمی‌گردد: در ماده ۷۸ مقرر شده است: «کلیه آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به اجرای این قانون توسط رئیس‌کل تهیه و به تصویب شورای عالی خواهد رسید.» بر این اساس مصداق روزنامه‌نگار حرفه‌ای را قرار است این آیین‌نامه‌ای تعیین کند.

حال پرسش این است که آیا منظور از عبارت تفسیر‌بردار، شغلی اصلی» همین ضابطه توضیح‌دهنده شده در ماده ۱۳ است؟ اگر پاسخ مثبت است دیگر چه نیازی به تدوین آیین‌نامه و اگر نه، چگونه شرط شغل اصلی در میان شرایط عضویت نادیده گرفته شده است. نکته جالب‌تر در این میان به آخرین ماده این پیش‌نویس برمی‌گردد: در ماده ۷۸ مقرر شده است: «کلیه آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به اجرای این قانون توسط رئیس‌کل تهیه و به تصویب شورای عالی خواهد رسید.» بر این اساس مصداق روزنامه‌نگار حرفه‌ای را قرار است این آیین‌نامه‌ای تعیین کند.

استقلال، آزادی، تکتُر

سازمان یونسکو سه شاخص مهم برای روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در جهان تعریف کرده است، در این شاخص‌ها بر استقلال رسانه‌ها، آزاد بودن و نیز تکتُر آنها تاکید شده است. مسلماً بر این اساس نا جایی

که روزنامه‌نگاری فارغ از محدودیت‌های حاکمیت باشد به این شاخص نزدیک‌تر است و هرچه تعداد نشریات زیادتر باشد این اهداف بیشتر محقق می‌شود. بدیهی است که هرگونه ایجاد سازمان یا تشکیلات شبه‌دولتی تحقق اهداف روزنامه‌نگاری را محذوس می‌کند و خوانان‌خواه بر عملکرد حرفه‌ای رسانه‌ها تأثیر منفی می‌گذارد. روزنامه‌نگاری نوعی نظارت اجتماعی محسوب می‌شود که باید از سوی جامعه اعمال شود و هرگونه سازوکار دولتی و شبه‌دولتی به این نظارت اجتماعی ضربه وارد می‌کند و ضرر آن گریبانگیر تمام افراد آن جامعه خواهد شد. در تاریخ پر فراز و نشیب مطبوعات ایران بارها شاهد این موضوع بوده‌ایم که گاهی دولت و حاکمیت تلاش دولتی تا آزادی رسانه‌ها را سلب کنند تا آنجا که می‌توان تنها چهار دوره طلایی را برای روزنامه‌نگاری برشمرد. با توجه به وعده‌های رئیس دولت یازدهم مبنی بر اینکه دولت تلاش خواهد کرد تا امور بخش خصوصی و صنفی به مردم واگذار شود و نقش دولت کم‌رنگ شود، اکنون توقع این است تا در راستای تحقق این وعده فضا برای فعالیت‌های صنفی قشر روزنامه‌نگار باز شود.

با تحقق این مهم در آینده تنظیم روابط بین روزنامه‌نگاران و دولت و نیز دیگر امور حرفه‌ای مرتبط با رسانه‌ها توسط سندیکای روزنامه‌نگاران پیگیری می‌شود. درنهایت ایجاد چتر دولتی یا شبه‌دولتی، به اهداف روزنامه‌نگاری حرفه‌ای که همانا توسعه همه‌جانبه ایران است لطمه جبران‌ناپذیری وارد می‌شود، پس بهتر است برای تحقق توسعه ایران قوانینی نظیر سازمان نظام رسانه‌ای را تصویب نکنیم تا استقلال، آزادی و تکتُر رسانه‌ها در کشور به چالش کشیده شود و روزنامه‌نگاران نتوانند در فضایی آزاد به نقد منصفانه عملکرد دولتمردان بپردازند.

چالش جریان آزاد اطلاعات

مهم‌ترین بحث این روزهای رسانه‌ها به انتشار پیش‌نویس قانون سازمان نظام رسانه‌ای مربوط است. این نکته بسیار مهم است که یک مرجع و یک نهاد تخصصی برای رسانه‌ها وجود داشته باشد که از آن طریق به حقوق صنفی روزنامه‌نگاران رسیدگی شود و خبرنگاران بتوانند سیستماتیک مطالبات خود را ابراز کنند. اما اگر این مرجع رسانه‌ای بخواهد تحت لوای دولت کار خود را آغاز کند مشکل بزرگ بحث جریان آزاد اطلاعات است که با چالش مواجه می‌شود. به عقیده من معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد در تلاش است تا به نوعی این جریان آزاد را نظارت و مدیریت کند که در این صورت رسانه‌ها از وظیفه و رسالت اصلی خود باز می‌مانند. پیش‌نویس سازمان نظام رسانه‌ای درنهایت محکوم به شکست است.

دربرابر این قبیل موضوعات، رسانه‌ها تجربه‌های زیادی را در سال‌های گذشته کسب کرده‌اند و نهایتاً از هیچ‌یک از این تجارب دولتی یا شبه‌دولتی روزنامه‌نگاران استقبال نکردند. مرجع رسیدگی به امور روزنامه‌نگاران باید یک تشکل کاملاً غیردولتی باشد و هرگز نمی‌توان حرفه روزنامه‌نگاری را در یک چارچوب خاص تعریف کرد. این روزها روزنامه‌نگاران در صفحات شخصی خود در شبکه‌های اجتماعی، روزنامه و سایت‌های خبری مشغول فعالیت هستند و این غیرقابل پذیرش است که بتوان روزنامه‌نگاران را محدود کرد.

در مجموع با ادامه بحث‌هایی اینچنینی دیدگاه روزنامه‌نگاران نسبت به معاونت مطبوعاتی به مرور تغییر می‌کند. این در شرایطی است که معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید همواره در تلاش باشد تا تعامل خود را با روزنامه‌نگاران افزایش دهد و فضا را برای فعالیت آزاد روزنامه‌نگاران و گردش آزاد اطلاعات با نَگه داشت تا همکاران رسانه‌ای بتوانند با نقد عملکرد دولت به وزارتخانه‌ها کمک کنند تا بتوانند نقاط ضعف خود را پوشش دهند.



لزوم وجود انجمن صنفی

درمورد پیش‌نویس قانون سازمان نظام رسانه‌ای تصمیم نهایی گرفته شده است. انتشار این پیش‌نویس و درخواست نظرسنجی از طریق ایمیل از همکاران رسانه‌ای یک عمل سمبلیک است که معلوم نیست انتقادات در چه مکانیسمی و از چه طریق به دست چه کسانی می‌رسد! اگر واقعا تنظیم‌کنندگان و نویسندگان این پیش‌نویس ضرورت را در این می‌دیدند که از روزنامه‌نگاران حمایت کنند باید در یک جلسه رسمی تعدادی از روزنامه‌نگاران و نمایندگان رسانه‌ها را دعوت می‌کردند و پس از مشورت به آنان کلیات پیش‌نویس را تنظیم و سپس نسخه‌ای از آن را در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دادند تا انتقادهای خود را کتبا در یک جلسه مشترک تحویل و در همان جلسه از انتقادات‌شان دفاع کنند. متأسفانه برخی دوستان وزارت ارشاد در گذشته علاقه‌مند به بداهه‌گویی بوده‌اند و این بداهه‌گویی را نوآوری می‌پنداشتند. این باعث شده که در گذشته بسیاری از این طرح‌ها و امثال این پیش‌نویس نوشته و ارائه شود اما به تصویب نرسد. جای تعجب اینجاست که چرا در دولت کنونی همچنان طرح‌هایی از این دست از سوی وزارت ارائه می‌شود.

با کلیات طرح کاملاً مخالف هستم، چراکه سازمان نظام رسانه‌ای درصدد است تا تعیین کند چه کسانی روزنامه‌نگار هستند و چه کسانی روزنامه‌نگار نیستند و این مساله بسیار بد است که یک نهاد دولتی برای رسانه‌ها تصمیم‌گیری کند. وقتی آمار دقیقی از تعداد روزنامه‌نگاران شاغل، ثابت و حق‌التحریر وجود ندارد مطمئن‌نمی‌توان برای این قشر زحمتکش خدماتتی ارائه کرد. ارائه این آمار برعهده انجمن صنفی است و دولت نباید در این باره تصمیم‌گیری کند.

اگر دولت واقعا قصد دارد از جامعه روزنامه‌نگاران حمایت کند، انتظار جدی این است که انجمن صنفی روزنامه‌نگاران بازگشایی شود و به قولی که آقای روحانی، رئیس‌جمهوری منتخب در ۲۶ خرداد ۹۲ داده‌اند جامه عمل پوشانده شود. بازگشایی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران دشوارتر و پیچیده‌تر از بازگشایی خانه سینما نیست و توقع ما از وزیر ارشاد این است که به جای طرح‌های مثل سامان نظام رسانه‌ای به بازگشایی انجمن صنفی کمک کند. آقای جنتی، وزیر محترم ارشاد بارها صدای ما را از طریق رسانه‌ها و جلسات شنیده‌اند و می‌دانند که اکثر روزنامه‌نگاران با کلیات این پیش‌نویس مخالفند. در همکاریم در دیگر رسانه‌ها به‌عنوان روزنامه‌نگار پس از راه‌اندازی سازمان نظام رسانه‌ای هیچ نقش و جایگاه اجرایی در شورای عالی، هیات‌مدیره، هیات عالی رسیدگی به تخلفات و هیات‌مدیره‌های استانی نداریم.

ایجاد یک سازمان نظام مند به‌خودی‌خود امری مفید و قابل تحسین است، اما بین اهالی رسانه با مهندسان، پزشکان و پرستاران فرق‌های بسیار عمده‌ای است، اگر پزشکان و مهندسان جامعه دارای یک سازمان نظام مهندسی یا نظام پزشکی باشند اتفاقاً با توجه به نوع کارشان سازمان‌های متبوع می‌توانند با ارائه پروانه و رتبه‌بندی‌ها کمک عمده‌ای به پزشکان و مهندسان کنند که هم به سود آنان و هم به سود جامعه تمام می‌شود. اما در رابطه با رسانه این امر کاملاً متفاوت است و درست هیچ سازمان دولتی یا شبه‌دولتی نباشد تا بتواند آزادی‌انه به نقد مشفقانه دولت بپردازد.

اگر روزی فرا برسد که سازمانی دولتی یا شبه‌دولتی بخواهد فعالیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاران را زیر نظر داشته باشد آن روز را باید روز مرگ روزنامه‌نگاری حرفه‌ای دانست. در فصل اول پیش‌نویس قانون سازمان نظام رسانه‌ای به این مساله اشاره شده است که این سازمان موسسه‌ای است حرفه‌ای، غیردولتی، غیرانتفاعی و دارای شخصیت حقوقی مستقل، اگر این‌گونه است پس چرا دولت و وزارت ارشاد باید باعث و بانی ایجاد این سازمان باشند؟ مگر نه اینکه لغت «غیردولتی» و «غیرانتفاعی» در پیش‌نویس آمده است، پس نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چیست؟

در یکی دیگر از بندهای پیش‌نویس آمده است که مدیرکل ارشاد یک استان می‌تواند یکی از روزنامه‌نگاران آن استان را برای عضویت در هیات تجدید نظر استان معرفی کند. در اکثر استان‌ها فضا آنتنان بسته است که اگر هم مدیرکل ارشاد بخواهد یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای و مستقل را انتخاب کند با محدودیت‌های زیادی مواجه می‌شود و این امکان بسیار کم است که در استان‌ها یک خبرنگار حرفه‌ای به‌عنوان عضو هیات تجدید نظر استان معرفی شود. ایجاد سازمانی شبه‌دولتی تلاش برای پر کردن خلا انجمن صنفی روزنامه‌نگاران است. این باعث می‌شود که هم به اصطلاح خلأ فوق پر شود و هم اینکه به خود ببالند که برای روزنامه‌نگاران پروانه حرفه‌ای صادر شده است و اکنون دارای یک سازمان نظام‌مند هستند. اما این اشتباه است. در مجموع نباید روی بندیدن پیش‌نویس قانون سازمان نظام رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران بحث کنیم، چراکه این پیش‌نویس باید توسط افراد حقیقی و کاملاً غیردولتی تهیه شود تا روح آن را روح روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و مستقل در تضاد نباشد.



را اعلام کرده‌اند. در روزنامه فرهیختگان علاوه‌بر نظر کارشناسی، نگاه روزنامه‌نگاران را که در آینده قرار است بدنه اصلی این نظام رسانه‌ای را تشکیل دهند در اولویت قرار خواهیم داد.



را اعلام کرده‌اند. در روزنامه فرهیختگان علاوه‌بر نظر کارشناسی، نگاه روزنامه‌نگاران را که در آینده قرار است بدنه اصلی این نظام رسانه‌ای را تشکیل دهند در اولویت قرار خواهیم داد.

را اعلام کرده‌اند. در روزنامه فرهیختگان علاوه‌بر نظر کارشناسی، نگاه روزنامه‌نگاران را که در آینده قرار است بدنه اصلی این نظام رسانه‌ای را تشکیل دهند در اولویت قرار خواهیم داد.

را اعلام کرده‌اند. در روزنامه فرهیختگان علاوه‌بر نظر کارشناسی، نگاه روزنامه‌نگاران را که در آینده قرار است بدنه اصلی این نظام رسانه‌ای را تشکیل دهند در اولویت قرار خواهیم داد.

را اعلام کرده‌اند. در روزنامه فرهیختگان علاوه‌بر نظر کارشناسی، نگاه روزنامه‌نگاران را که در آینده قرار است بدنه اصلی این نظام رسانه‌ای را تشکیل دهند در اولویت قرار خواهیم داد.

را اعلام کرده‌اند. در روزنامه فرهیختگان علاوه‌بر نظر کارشناسی، نگاه روزنامه‌نگاران را که در آینده قرار است بدنه اصلی این نظام رسانه‌ای را تشکیل دهند در اولویت قرار خواهیم داد.

را اعلام کرده‌اند. در روزنامه فرهیختگان علاوه‌بر نظر کارشناسی، نگاه روزنامه‌نگاران را که در آینده قرار است بدنه اصلی این نظام رسانه‌ای را تشکیل دهند در اولویت قرار خواهیم داد.

را اعلام کرده‌اند. در روزنامه فرهیختگان علاوه‌بر نظر کارشناسی، نگاه روزنامه‌نگاران را که در آینده قرار است بدنه اصلی این نظام رسانه‌ای را تشکیل دهند در اولویت قرار خواهیم داد.

را اعلام کرده‌اند. در روزنامه فرهیختگان علاوه‌بر نظر کارشناسی، نگاه روزنامه‌نگاران را که در آینده قرار است بدنه اصلی این نظام رسانه‌ای را تشکیل دهند در اولویت قرار خواهیم داد.

را اعلام کرده‌اند. در روزنامه فرهیختگان علاوه‌بر نظر کارشناسی، نگاه روزنامه‌نگاران را که در آینده قرار است بدنه اصلی این نظام رسانه‌ای را تشکیل دهند در اولویت قرار خواهیم داد.